

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سردبیر: آرش کمانگر شماره 213 یکشنبه 25 مرداد 1383 15 اوت 2004



المپیک در وحشت سمبل صلح جهانی در پادگان آتن

سازمان عفو بین الملل با ارسال بیانیه ای رسمی به دولت یونان، از این که تحت لوای تدابیر امنیتی برای بازیهای المپیک، حقوق بشر در این کشور زیر پا گذاشته شده و تبعیض نژادی و قومی به خصوص نسبت به مسلمانان، مهاجران، پناجویان و گروههای رادیکال سوسیالیست اعمال شود، ابراز نگرانی کرد.

در صفحه 7

آیا حدود سی درصد مردم ایران ،

" کمونیست " شده اند ؟!

کمونیسم ، جامعه ای عاری از طبقات و نابرابریهای حاصل از آن است . ابزار مهم تامین این مهم ، توزیع بر مبنای نیاز است و نه موقعیت اجتماعی افراد . بر این مبنای طبق تازه ترین نظرسنجی در ایران ، حدود سی درصد مردم خواهان توزیع بر اساس نیاز هر انسان و خانوار هستند

سایت روشنگری: براساس نتایج يك نظرسنجی پیرامون نگرش ایرانیان که در خیرگزاری سینا انتشار یافته، فاصله طبقاتی همچنان افزایش می یابد. در بخشی از این نظرسنجی نظر مردم در مورد مفهوم عدالت خواسته شده که نتایج حاکی از آن است که " 51 درصد از پاسخگویان عدالت را به معنای توزیع مساوی امکانات در بین افراد جامعه، 28 درصد عدالت را به معنای توزیع امکانات بر اساس میزان نیازمندی و 21 درصد توزیع امکانات را بر اساس شایستگی می دانند."

درشانزده مین یادمان قتل عام تابستان ۱۳۶۷ یاد آزاد زنان و مردان کشتار خونین را به فراموشی نسپاریم!

امیرجواهری لنگرودی hotmail@l_amir.com

« من این روزگاران اسارت بزرگ را ، نه در نوحه سرایی بر ویرانه و طلب مصرانه یاری از آسمان ها ، بل در گرد آوری و آمار برداری دارایی های برهم انباشته مان صرف کرده ام ، دارایی هایی که هیچ دشمن پیروز نمی تواند از ما برباید : یادمانها »
(رومن رولان)

در صفحه 2

به انگیزه سالگرد کودتای 28 مرداد 1332

نیم قرن پیش ، دمکراسی نوپا و نیم بند ایران فنا شد!
نیم قرن بعد ، حامیان آن کودتا ، ادعای دمکراسی
خواهی میکنند ؟!

آرش کمانگر

مرداد سالروز کودتای خونینی است که منجر به سرنگونی دولت مصدق شد. پنجاه و یک سال پیش در چنین روزهایی باهمکاری مشترک آمریکا ، انگلیس و دربار پهلوی، ارتش خیابانهای پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ ایران را به اشغال خود در آورد و با بسیج دستجات اوباش و جیره خوار به رهبری افرادی نظیر شعبان بی مخ، موجی از دستگیری مبارزان و فعالان سیاسی را که اساساً به دو نیروی عمده آن دوران یعنی جبهه ملی و حزب توده تعلق داشتند، براه انداخت. بدنبال این کودتای ارتجاعی و امپریالیستی ، هزاران تن از شریفترین انسانهای این کشور زیر شکنجه کشیده شده و شماری از آنها تیر باران شدند که از میان آنها میتوان از دکتر فاطمی و خسرو روزه یاد کرد. جنایاتی که پنج سال پس از این کوتا، با شکل گیری ساواک در سال 1337 گسترش بیشتری پیدا کرد و خفقان جهنمی را متجاوز از دو دهه بر کشورمان حاکم نمود.
بقیه در صفحه 4

دراهمیت اعتراضات معلمان و ضرورت حمایت همه جانبه از آن

صفحه 6

تقی روزبه

شانزدهمین یادمان قتل عام



را از پنجره کنارکشیدم.» مینا ادامه می دهد: درسولهای انفرادی زندان گوهردشت « درموقعی که کسی در راهرو است . مخصوصاً پاسدار نادری ، حق هیچ گونه کاری ، نظیر جلوی پنجره ایستادن ، زدن سیفون ، بازکردن شیرآب ، قدم زدن ، به آسمان نگاه کردن ، مرتب کردن وسایل را نداری ، هیچ کاری درمحدوده به اصطلاح قوانین عادی سلول ، نمی توانستی انجام دهی وچنان جو وحشت و ترس را دراین موقع حاکم می کردندکه حدوحساب نداشت، مثلاً یکبارشیرآب باز بود . یک دفعه مشمت وحشتناکی به درگوبیده شدکه همان حاکم مانده بود زهرترک شوم. جلوی پنجره ایستادن که عواقب بدونتیبه درپی داشت. خلاصه انفرادی مضاعفی ایجاد کرده بودند.» از کتاب : (گفتگو های زندان شماره ۴ در بازه سرکوب ، اختناق و زندان ، صفحه ۴۹ انتشارات سنبله هامبورگ (آلمان) تابستان ۱۳۸۰)

این حد وحشت زندان بانان از زندانی با اینکه در زندان او اسپرند . نشان از سببیت سیستمی می گیرد که می خواهد همه آثار بودن و زندگی را از زندانی سلب کندو حتی رویای بودن را نیز در او بختسکاند . با اینهمه صدای رسای زندانیان دریند، ازپس سالها زندان ، شکنجه ، اعدام و سربردارشدن به بیرون از زندان ها راه یافت و فرزندان رها شده ازبندها باشرح خاطرات خود ، بعنوان شاهدین زنده درکنار داغ همسران و غم نداشتن مادر و پدر برای کودکان دیروز و نونهالان و نوجوانان امروز ، مادران و پدران ، خواهران و برادران هزاران هزار اعدامی زندان ها، امروزبیش ازپیش هر یک از آنان بعنوان شاهدین زنده سنددادخواست جنایت علیه بشریت بشمار می روند.

امروز و در شانزدهمین سالگرد آن تابستان خونین ، باید و می توان زندان و اوج جنایات آن را دربرابرافکارعمومی بشریت آزاد اندیش و سازمان ها و احزاب مترقی جهان و مجامع حقوق بشری و سازمان ملل بر ملا کرد.

امروز و در سالگرد کشتار خونین دو تابستان ۶۰ و ۶۷ باید و می توان با جمع آوری اسناد و مدارک لازم و ضروری زمینه تدارک دادگاه بین المللی ومحاکمه سران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی ایران را به پشتوانه مبارزات مردم و فرزندان شجاع آنان فراهم آورد. برای هرهمسر و فرزند ، خواهر و برادر ، مادر و پدر ، دوستان و رفقا و هر شهروند انسان دوستی ، دنیای زندانی و خود زندان نیز پر رموز راز می نماید . زندگی هرزندان و سرنوشت جانبخش آدم دریند ، این شوق را در دیگران و خود برمی انگیزد تا از راز و رمز سربه مهر، زندان سر در آورد و از زندگی یکایک زندانیان پرده بردارند و آنرا باز بشناسانند.

باید برای همگان اسرار زندان و همه هول و ولع آن مشخص گرددکه قرارها ، تعقیب ها و مراقبت ها ، خانه های تیمی ، دستگیری ، چشم بند ، بازجویی ، بازپرسی ، وکیل و دادگاه فرمایشی ، حبس ، شکنجه ، شلاق ، کابل زنی ، اجزاء حدشرعی ، جیره روزانه شلاق (تعزیر اسلامی) ، زخم و باند پیچی ، تابوت های شکنجه حاج داوود رحمانی درزندان قزل حصار ، سگ دانی (شکنجه ابداعی در زندان گوهردشت) و دست بندقبانی ، زنده بگورکردن در قزل حصار ، کشتن باگاز درگوهردشت ، مجازات باسیگار ، ریختن آب سرد ، آپولو ، کنده کشی ، پاهای آماسیده ، اعدام مصنوعی با تیراندازی هوایی ، تیرباران زن حامله و نوزاد بدینا نیامده ، اقلیت های مذهبی ، بهائی ، اتهام جاسوسی و مزدوری ، بند قیامت ، مقاومت ، خودکشی ها، کابل برق ، خود زنی ها ، دیوانگی ، اعتصاب ، توپ ، دروغ و لو دادن ها ، پیچ توبه ، توبه تاکتیکی ، ندامت ، سرموضع بودن ، انزجار نامه دادن ، گزارش دهی ، ملاقات و ملاقات پانتومیمی ، میله های آهنی ، روزنامه خوانی ، جاسازی کتاب ، سرود و آوازخوانی ، تلویزیون و ندامت های مداریسته ، رادیو ، بلندگوی زندان و پخش قرآن ، اذان و مرتبه ، نوحه خوانی آهنگران ، سلول ، بندعمومی ، بند ۲۰۹ اوین ، بخش تیبهی ، بند مغضوبین ، زندانی مسله دار ، بندفرعی گوهردشت (که درساختمان اصلی و درمداخل ورودی بندهای بزرگ) زیرهشت ، نمازاجباری ، سقف سلول و فلش قبله نماز ، نمازخانه (بهداری بند) ، بی خوابی ، هواخوری و ورزش دسته جمعی و انفرادی ، خورد و خوراک ، تهیه لیست غذا ، سفره غذا ، تقسیم غذا ، چای و تقسیم قند ، سیگار و خرید از فروشگاه زندان ، بندزنان ومداران

صدای گامها که آمد ، چه عجولانه و ناهماهنگ به مانند هجوم و شبیخون مغول و تاتار ها با تکیه بر سرنیزه های چکمه پوشان و حکم حرامی در دست ، نه مسلسل رو به سوی سینه ها بلکه چوبه های دار به پا کردند تا صدای گلوله ای برنخیزد و بی واهمه از « عذاب اخروی » به کشتاری بس صعب ناک گردن گزارند! چرا که امامشان (خمینی) هر گونه تردید و زمان سوزی را به عاملین کشتار ممنوع اعلام داشته بود!

زندان ، درحکومتهای دیکتاتوری ، به تنهائی وسیله نیست بلکه به مثابه نمادی الزامی برای حفظ وبقای آن نظام هاست تا با دستگیری هر مخالف حکومتی ، همچنان دیکتاتور ها را بر سر پا نگهدارند!

زندان ، شمشیرآزنام برکشیده ای برفرازسرمدم ، دربرابرتامی چون وچراهاست که هر دم از جانب زندانیان و حافظین زندان شلاق کش می شود

سرگردگان زندان ، تلاش می ورزند تا مانع ، هرگونه رابطه زندانی بابیرون گردند . زیرا زندان و زندانی هرچه خاموش تریاشند ، خواب زندان بان سنگین ترمی گردد . ولی آیهیچ قدرتی قادر است ، علیرغم دیوارهای بلند سیمانی ، بتون و آرمه های به سیم خاردار مجهزگشته ، بندها ، قل و زنجیرها ، اعمال شکنجه ها ، درب و پنجره های مهر و موم شده و پاک شدن هر نوع خبری به بیرون از زندانها ، مانع عبورهرفریاد رسا ، خاطره آن همه جان های بیقرار به دنیای آزادگردند؟

با کلامی قدرتمند می توان و بایدگفت : نه!

تا به امروز زندان بانان نتوانسته اند ؛ رنج واندوه ، امید و مقاومت زندانی و نه گفتن آنان در برابر شکنجه و خشونت بیرحمانه شکنجه گران را درتاریکی سلولها و بندها به بندکشند . هرچندکه طی هرفرصتی ، شیبه سر می دادند : «ما نمی گذاریم کسی **فهرمان شود**» بازجوها ، شکنجه گران و جلادان درون زندان ها ، چنان فضای مختنقی برای زندانیان بوجود آورده بودند که سایه آنان نیز ، تصور شکنجه و بازخواست رایبه ذهن زندانی متبادر می کرد. برای نشان دادن چنین فضایی ؛ ذکر این یاد داشت بد نیست:

مینا زرین زندانی سیاسی دربخشی از خاطراتش از زندان گوهردشت باعنوان « انفرادی » می نویسد : «... آن روزها آفتابی بود . نورش به درون سلول می تابیدولی گویا این نورهم فراری بود. سردی خاصی احساس می کردم. مثل دیوانه هاباهمه چیزحرف می زدم. به نورسلول گفتم : توهم این ها را دیدی پایه فرارگذاشتی؟ بایست! نرو! اینجا بمان! نترس! دراین موقع دلم می خواست دشتی پیش روی خودداشته باشم ودرآن قدم برزم. دشتی وسیع و سبزکه هیچ مانعی جلوی روی خود نداشته باشم به هرطرف نگاه کنم، هیچ در و دیوار و نرده چوبی نبینم . همه دشت سبز باشد و من فقط درآن راه بروم . آن قدرراه بروم که آرامش پیدا کنم وازدرد درونی رهایی پیداکنم . به پنجره کوچکم تکیه دادم . برای لحظه ی چشمانم را بستم وان دشت زیبارابه تصویرکشیدم . سریع به خودم آمدم وخودم

شانزدهمین یادمان.....

های سینمایی تهیه نمود و فیلم های بیشمار سینمایی ساخت ، دقیقاً به مثابه کاری که پس از سقوط هیتلر و فاشیست ها برای برملا کردن جنایات آنان توسط سینما گران متعدد آلمانی و جهانی فراهم آمد.

باید برای نسل ما بعد ما روشن گردد که در طول بیش از دو دهه حاکمیت سیاه سران رژیم اسلامی از فردای قیام بهمن به اینسو ، جان بیش از ۱۰۰ هزار تن انسان عاشق زندگی چگونه سر برداشدند؟ چه جانهای دوست داشتنی به پای چوبه های دار رفتند؟ و چه سینه های ملامال از عشق و سرور ، عاطفه و مهر ، آرمان خواهی و مهرورزی به کسان و مردم خویش و طبقات محروم جامعه ، در سینه کش دیوار با گلوله های ناکسان و جانپان زر و زور ، در خون خویش به درون تلی از خاک آرمیدند ؟ و چه انبوه بیشمار آن جانها که تا به امروز حتی برای اعضاء خانواده شان بی رد و نشان باقی مانده اند؟

باید و می توان ازدهها و صد ها زندانی رها شده از زندانهای رژیم اسلامی ، بعنوان شاهدین عینی برای بر پایی و تدارک دادگاه بین المللی جهت محاکمه سران رژیم اسلامی ایران به جرم جنایت علیه بشریت با حضور وکلای جهانی ، امکان داد ستادن از این همه بیداد را در برابر افکار عمومی مردم ما و جهانپان فراهم آورد! اوبوسیسون رادیکال و ترقیخواه ، باید و می تواند در یک زنجیره کارزارهای جهانی ، عمق جنایات را بر همگان آشکار سازد و همه ابزارهای تبلیغی را در خدمت خود افشاءگریهای همه جانبه این سلسله کارزها قرار دهند. این کار از ما بر می آید!

مرداد 83

تجمع اعتراض آمیز کارگران راه آهن خوزستان

کارگران ناحیه راه آهن لرستان - اندیمشک در اعتراض به تاخیر و نحوه پرداخت حق محرومیت و عدم پرداخت حق جنگی، مقابل اداره کل راه آهن و بانک ملی شعبه این اداره تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، کارگران در این تجمع مسوولان اداره کل راه آهن، رییس شعبه و رییس حسابداری را به رفتارهای سودجویانه متهم کردند.

کارگران معتقد بودند: مسوولان این اداره کل در حالیکه اعتبار حق محرومیت کارکنان، از مدتها پیش تعیین شده است، از پرداخت آن جلوگیری می کنند.

رییس حسابداری راه آهن منطقه در توضیح این مساله گفت: مسوولان اداره کل راه آهن لرستان - اندیمشک بر اساس تقاضای کارگران، درخواست تامین مطالبات (حق محرومیت و مرخصی استفاده نشده در دوران دفاع مقدس در دوران دفاع مقدس) را کرده و در تاریخ 20 مرداد سال جاری موفق به وصول وجوه مذکور شده اند.

وی افزود: اختلاف نظر میان دیوان عدالت اداری و مسوولین راه آهن مرکزی باعث عدم پرداخت حق جنگی کارگران راه آهن شده که این موضوع نیز تحت پیگیری است.

همچنین نماینده کارگران راه آهن در گفت و گو با خبرنگار ایلنا ضمن غیر واقعی دانستن گفته های مسوولان راه آهن گفت: این مطالبات قبلاً از جانب راه آهن کشور پرداخت شده و در حساب راه آهن اندیمشک بوده است، اما متأسفانه تیبانی با پیمانکاران، کارگران را بامشکلات شدید مالی و از همه مهمتر مشکلات روحی روانی روبه رو کرده است.

و کودکان زندانی ، عادت ماهانه ، نواربهداشتی ، لباس زیرزانه ، بند لباس و مقررات خشک کردن لباسها ، بازجو و سرپازجو ، تجاوزبه دختران قبل از اعدام ، حلق آویز ، رگ زنی ، جویدن رگ ، سیانور ، صدای تک تیرباتیرخلاص ، تیرباران های عمومی پشت بند ۴ و روی تپه های اوین ، توالیت ، صف ده دقیقه ای دشتنشویی ، نوبتی بودن لگن دستشویی ، خمیر دندان ، حمام ، حوله ، میوه ، سوزن و جا سازی آن لای درز چادر و لباسها ، فیچی ، گلدوزی ، کاغذ ، خودکار ، مغز مداد ، سلولوفان ، خواب کنسروی شبانه ، دوش گرفتن ، زندگی کمونی ، ملی کشی ، دادگاه عدل اسلامی و سرانجام طناب دار ، حلق آویز شدن ، اعدام در زندانهای کمیته مشترک با بند ۲۰۰ ، اوین ، قزل حصار ، گوهردشت (کرج) ، عادل آباد (شیراز) ، وکیل آباد (مشهد) ، زندان کمیته اصفهان در خیابان کمال آباد ، باغ کاشفی اصفهان یکی از مخوف ترین شکنجه گاههای کشور بوده است ، مالک اشتر (لاهیجان) ، اعدام کنار دریای چمخاله ، پل دختر (لرستان) ، زندان آمل و محمودآباد ، زندان چالوس ، دیزل آباد کرمانشاه ، بازداشتگاهها و زندان سیمرم - شهرضا - زرین شهر - شهر کرد و زندانی به وسعت ایران باگردن کشی جانبانی همچون : خمینی ، خامنه ای ، رفسنجانی ، موسوی اردبیلی ، حسین موسوی تبریزی ، محمدی گیلانی ، خلخالی ، هادی غفاری ، لاجوردی ، نیری ، ناصریان ، دادیاراشراقی ، حاج داوود رحمانی ، بهرام گشتاپو ، حاج داوود لشکری ، یونسوی ، پور محمدی در سمت نماینده وزارت اطلاعات در اوین و صد ها نقابدار بی نام و نشان دیگر ، شکنجه می کردند و فرمان می رانند تا حاکمیت اسلام ناب محمدی وکیان اسلام وخیمه نموده نظام برسرخودکامگان حکومتی فرو نریزد در زمینه کشتار تابستان ۶۷ تا به امروز اقوال گوناگونی گفته شده است . جدا از متن فرمان یا فتوای مرگ خمینی که در کتاب خاطرات حسین علی منتظری آمده است . ذکر منبع تحقیقی آبراهامیان نیز قابل توجه می باشد . در آخرین اثر تحقیقی نامبرده آمده است : « درست پیش از اعدام ها که از زمان دقیق آن نا آگاه هستیم ، خمینی در نهران فرمانی بی نظیر در نوع خود که برخی آن را نوعی فتوا می دانند ، برای تشکیل یک هیات ویژه با دستور اعدام مجاهدین به عنوان محارب و چپ گرایان به نام مرتد صادر می کند. هیات تهران ، که از شانزده نفر تشکیل می شد ، شامل نمایندگان از سوی شخص امام ، رییس جمهوری ، دادستانی کل ، دادگاه انقلاب ، وزارتخانه های دادگستری ، اطلاعات و مدیریت زندان اوین و گوهر دشت بودند. سرپرستی هیات بر عهده آیت الله اشراقی گذارده شده بود که دو دستیار ویژه داشت ، حجت الاسلام نیری و حجت الاسلام میبشیری در پنج ماه بعدی این هیات توسط بالگرد (هلی کوپتر) از اوین به گوهر دشت در رفت و آمد بود. نام این هیات را « هیات مرگ » گذارده بودند . تشکیل مشابه در شهرستان ها هم ایجاد شده بود » از کتاب (اعتراضات شکنجه شده گان زندان ها و ابراز ندامت های علنی در ایران نوین ، پروانده آبراهامیان ، مترجم : رضا شریفها ، نشر باران ، صفحات ۳۲۹ و ۳۲۸)

امروز بعد از گذشت شانزده تابستان از سال ۱۳۶۷ به اینسو با همه خاطره های به جا مانده از زندان های سراسر کشور ، هنوز بیشترین حقایق تلخ از فجایع کشتار بزرگ درون زندانها ، برای افکار عمومی جامعه بشری پنهان مانده است . بر پایه شواهد و دلایل زنده و به جا مانده از عمق جنایات دو کشتار تابستان ۶۰ و ۶۷ می توان و باید همه این صحنه آراییی ها از شعبه های بازجویی و شبهه دادگاهها ، تاتجمعات اجباری حسینیها ، سلولوها و شکنجه گری ها ، بر پا داشتن تیرها و چوبه های دار و همه زوایای پنهان این کشتار خونین را با تمام قدرت برای همگان به نمایش در آورد و آن را در پیشگاه جهانپان بر ملا نمود !!

باید و می توان برای بازشناسی تمامی کارکرد این دستگاه عریض و الطویل ایدئولوژیک اسلامی ، صد هاجلدکتاب نوشت و هزاران مطلب تهیه کرد. نمایشگاههای خود افشاگر برپاساخت . پرسوناژ

ادامه از صفحه یک

به انگیزه سالگرد کودتا



اکنون در سالروز این رویداد سیاه، نواده گان همان کودتا، با بدست گرفتن بیرق "آزادی و دموکراسی" به سراغ مردم جویای رهایی و به تنگ آمده از حاکمیت جمهوری اسلامی، آمده اند و از ایشان میخواهند که تاج و تختی را که در انقلاب 57 از کف داده اند، مجدداً به "سرورانشان" باز گراند. آنان در این کارزار گسترده، روی یاس مردم و البته نا آگاهی نسل جوان از وقایع تاریخی چند دهساله اخیر ایران حساب باز کرده اند. و هر جا با روشننگری نیروهای سیاسی در مورد بیلان جنایتبار و خیانتبار خاندان پهلوی و مشخصاً کودتای فاجعه بار 28 مرداد 1332 مواجه می شوند، به بهانه "امروز فقط اتحاد" خواستار فراموشی تاریخی مردم می گردند. اما چگونه می توان چشم بر رویداد تعیین کننده ای در تاریخ کشور مان بست، در حالیکه میدانیم چه نقش ویرانگرانه ای بر سرنوشت مردم ایران بجای نهاده است. واقعه ای که بدون تردید اگر رخ نمیداد، در نقطه ای که اکنون قرار داریم نمی بودیم و مردم کشورمان مجبور نبودند در قرن بیست و یک، اسیر یک رژیم مذهبی و قرون وسطایی شوند.

از انقلاب مشروطه بدین سو، قریب یکصد سال است که مردم ایران در جستجوی آزادی پنجه در پنجه استبداد افکنده اند. آن انقلاب با تأسیس پارلمان و اعلام مشروط بودن قدرت شاه، قصد داشت با لگام زدن بر استبداد قاجاری، ایران را از گرداب عقب مانده گی و محجر نجات دهد، اما درست زمانی که قدرت سلسله فاسد قاجاریه در منتهای ضعف و درمانده گی خود بود، استعمار با تشویق یک نظامی جویای نام - یعنی رضا خان میر پنج- کودتای اسفند 1299 شمسی را سازمان داد تا برای همیشه دستاوردهای آن انقلاب مردمی را به تاراج برد و مترسکی از آنرا در قالب یک مجلس فرمایشی و بزدل بجای گذارد. اما درست زمانی که در هنگامه جنگ جهانی دوم، انگلیسی ها بدلیل نزدیکی رضا شاه به آلمانی ها، او را از قدرت خلع و به تبعید فرستادند، مردم جویای رهایی بار دیگر با استفاده از فرجه بدست آمده، به توسعه جنبشهای سیاسی، اجتماعی و طبقاتی خویش همت گماردند. در جریان این اعتلای سیاسی و علیرغم میل محمد رضا شاه جوان و اربابان او بود که مردم توانستند ضمن ایجاد و گسترش احزاب سیاسی و تشکلهای سندیکایی خود، از اهرم انتخابات مجلس شورای ملی برای فرستادن برخی از نماینده گان مترقی خود بهره جویند.

نماینده گانی که در اوضاع سیاسی آنروز ایران توانستند بازتاب دهنده بخشی از خواستههای مردم باشند. در جریان این فرآیند سیاسی بود که محمد رضا پهلوی بعد از تعویض پی در پی نخست وزیران فاسد و بی عرضه، مجبور شد تحت فشار مردم، از دکتر محمد مصدق برای تشکیل کابینه دعوت کند. مصدق پس از

پذیرفتن این مقام، ضمن احترام نسبی به آزادی بیان، مطبوعات و تشکل، موضوع کلیدی پایان دادن به سلطه امپریالیسم بریتانیا بر منافع نفتی ایران را در سر لوحه کارهای خود قرار داد، تلاشی که سرانجام و علیرغم مخالفت امپریالیستها منجر به ملی شدن صنعت نفت کشور شد. این پیروزی بر دربار پهلوی خوش نیامد و آنها که از افزایش محبوبیت مصدق در برابر شاه و نیز توسعه بیسابقه آگاهیهای سیاسی و اجتماعی مردم ایران به وحشت افتاده بودند، محمد رضا شاه را ترغیب به برکناری دکتر مصدق نمودند اما مردم با ریختن به خیابانها و برپائی تجمعات اعتراضی در تیرماه 1331 شاه را وادار کردند که موقتاً دست به عقب نشینی بزند و مصدق را مجدداً به مقام نخست وزیر برگزیند این پیروزی مردم که باعث بر آشفتگی شاه شده بود، سبب گردید که وی کشور را ترک کند تا به بهانه نابسامانی اوضاع سیاسی و اقتصادی، دست دربار، ارتش و سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیسی را برای طراحی یک توطئه شوم باز گذارد. این محور بعد از ماهها بررسی و تدارک، توانست ارتش را با سردمداری ارتشید زاهدی وادار به محاصره دفتر نخست وزیری و اعلام حکومت نظامی در 28 مرداد 32 بنمایند. کودتاچیان و اوایشان آنها علیرغم قلت ناچیزشان، توانستند بدلیل عدم آماده گی مردم در شهرها، عدم آگاهی دهقانان در روستاها (که اکثریت بزرگ جمعیت کشور را تشکیل میدادند) و ناتوانی خیره کننده دو نیروی سیاسی اصلی جنبش یعنی جبهه ملی و حزب توده در سازماندهی مقاومت مسلحانه در برابر کودتاچیان، براحتی پیروز شوند. بخش اعظم جبهه ملی و از جمله خود مصدق بدلیل سیاستهای مسالمت جویانه و مماشات طلبانه خویش، علیرغم در دست داشتن دولت نتوانستند تدابیر پیشگیرانه و به موقعی را جهت بر هم زدن توطئه های پنهانی در بار سازمان دهند. سهم حزب توده نیز که در اپوزیسیون بود چندان کمتر از رهبران جبهه ملی نبود، چرا که این حزب فقط در تهران دارای شش هزار عضو بود که در میان آنها صدها افسر و پرسنل ارتش و پلیس وجود داشتند، یعنی کسانی که بعید بنظر میرسد متوجه تحركات پنهانی شماری از فرماندهان جیره خوار ارتش نشده باشند. البته سهم روحانیون مرتجع به رهبری آیت الله کاشانی نیز که در ماههای پیش از کودتا در ضدیت با ملیون و توده ایها، به شدت به دربار نزدیک شده بود نیز کم نبود. وی و همپالگی هاییش در تهران و دیگر شهرهای بزرگ از نفوذ مذهبی خود در میان اقشار ناآگاه مردم برای پیروزی دربار و اربابان خارجی آنها بهره فراوان جستند. به هر رو کودتای 28 مرداد به یک دوره برخی از حیات سیاسی کشورمان یعنی دوره 12 ساله بین تابستان 1320 تا تابستان 1332 پایان داد، دوره کوتاهی که علیرغم برخی فراز و نشیب ها (از جمله قتل عام جنبش های ملی و حق طلبانه آذربایجان و کردستان در 1325) شاهد یک فضای سیاسی نیمه باز و شکوفایی احزاب، اتحادیه ها و مطبوعات دگراندیش در ایران بودیم. بعد از این کودتا بود که محمد رضا پهلوی با نمذ مالی کردن هر چه بیشتر قانون اساسی مشروطه به افزایش روز افزون اختیارات فردی و دیکتاتورمنشانه خود پرداخت. ساواک را بر جامعه خفقان زده کشور حاکم نمود، مجلس شورای ملی را از محتوای واقعی اش تهی و مجلس فرمایشی سنا را به آن متصل کرد و با اهرم "توشیح ملوکانه" راه را بر تصویب هر گونه لایحه دردسرساز بست. در همین دوره بود که رژیم پهلوی با تکیه بر درآمدهای نجومی ناشی از "طلای سیاه" (نفت) هم بر حجم ثروت خانواده گی خود و الیگارشسی "هزار فامیل" افزود و هم با برنامه ریزیهای اقتصادی غیر اصولی و بدور از آینده نگری، کشور ما را در تمام حوزه ها به امپریالیسم جهانی به سرکرده گی آمریکا وابسته نمود. مجموعه این سیاست های خانمان برانداز و از جمله هجوم گسترده دهقانان تهیدست به محلات فقیر نشین و حلبی آبادهای شهرهای بزرگ، ضمن به نمایش گذاشتن ابعاد عظیم نابرابریهای طبقاتی، جامعه را از نیمه دهه 50 خورشیدی آستن انفجارهای اجتماعی نمود. از اینرو وقتی جنبش تهیدستان خارج از محدوده در سال 56 در تهران شروع شد و شب ها ک شعر کانون نویسندگان ایران در انستیتو گوته، آسمان اختناق را شکافت، شاه و اربابانش تصور نمی کردند که در عرض یکسال بساط سلطنت برچیده شود. اما افسوس که مردم ستمدیده کشورمان 25 سال پس از کوتای 28 مرداد، بدلیل ضعف آگاهیهای سیاسی دمکراتیک

به انگیزه سالگرد کودتا

آلترناتیو رادیکال- دموکراتیک ، سلطنت طلبان به مدد چندین رادیو و تلویزیون 24 ساعته و ماهواره ای ، بطور روزانه مردم و جوانان جویای رهایی در داخل ایران را مورد خطاب قرار دهند تا به خیال خود از صفوف آنها برای مارش ارتجاعی خود بسوی کاخهای شاهنشاهی پارگیری نمایند. به همین خاطر احتمال شکست مجدد مبارزات عادلانه مردم همچون انقلابات و نهضت های صد ساله اخیر ایران بار دیگر خود نمایی می کند. به همین خاطر دفاع قاطع از اهداف بزرگ و دیرینه مردم کشورمان: آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و نیز حاکم کردن " گفتمان دموکراسی" بر صحنه سیاسی کشور برای واکسینه کردن خود و اکثریت ستمکش جامعه در برابر انواع آلترناتیو ها و نیروهای ضد دموکراتیک که به حق حاکمیت بی چون و چرای مردم باور ندارند، یکی از وظایف عاجل همه نیروهای مترقی و چپ و دمکرات محسوب می شود. برای این منظور یعنی بی بدیل و بی رقیب کردن "گفتمان دموکراسی"، باید آستین ها را برای ارتباط و تمام گسترده با مردم کشورمان بالا زنیم، تدارک برای سازماندهی یک رسانه عمومی کلان و دموکراتیک که میلیونها نفر به آن دسترسی داشته باشند، ابرارمهمی برای تحقق این مهم است، باشد که این وظیفه خطیر جدی گرفته شود و در سایه همکاری همه نیروها و افراد دمکرات و آزادخواه، جامه عمل بخود ببوشد .

اوت 2004



رژیم پهلوی و اربابان خارجی اش سهم به سزایی در شکست مجدد مبارزات مردم داشته اند. رژیم سلطنتی بدلیل سرکوب بیرحمانه سوسیالیست ها و سایر روشنفکران لائیک و باز گذاشتن دست دهها هزار آخوند در مساجد و منابر، و امپریالیست ها بدلیل ترس از انقلاب سوسیالیستی و در راستای استراتژی کشیدن " کمر بند سیر" (اسلامی) بدور اتحاد شوروی و از جمله ماهیت سرمایه دارانه و ضد کمونیستی آخوندها، نقش بسزایی در هموار کردن راه خمینی و شرکاء بسوی تصرف قدرت سیاسی داشته اند. بدین ترتیب خاندان پهلوی دو بار مرتکب جرمی نابخشوندی شده است : یکبار بخاطر کودتای ارتجاعی علیه دولت ملی دکتر مصدق - که شانس بزرگ مردم کشورمان را برای برخورداری از یک دموکراسی نسبی سوزاند- و بار دیگر بدلیل هموار کردن راه قدرنگیری مذهبیون مرتجع، کشور ما را قرنها به عقب برد و در منجلات خفقان ، بربریت و فلاکت اسیر کرد. اکنون نیز که جمهوری اسلامی در بحرانی مزمن دست و پا میزند و خواست سرنگونی این نظام جهنمی بیش از هر زمان ، در میان توده های وسیع مردم هوادار پیدا نموده است، بازمانده گان کودتای 28 مرداد و دربار پهلوی، با حمایت های سیاسی، مالی و تبلیغاتی خارجی، مجدداً خطای احیای حاکمیت موروثی و اشرافی را می بینند ، منتهی چون " گفتمان دموکراسی" به یکی از جاذبه های اصلی صحنه سیاسی کشور تبدیل شده، حضرات نیز " دمکرات" شده اند و از شعارهایی چون: " شاه قرار است سلطنت بکند و نه حکومت" و " انتخابات یا فراندنم عمومی برای تعیین نوع نظام" سخن می گویند، اما نمی گویند نیم قرن پیش زمانی که مصدق حتی کمتر از این مطالبات را بر زبان رانده بود، چرا سرنگون شد و کشور ما را به روز سیاه نشاندند؟ این حضرات حتی تا امروز حاضر نشده اند برای فریب مردم هم که شده، ذره ای انتقاد از عمل فاجعه بار خود صورت دهند. خود ارباب در دوره ریاست جمهوری کلینتون ، به گونه ای شرمگینانه از دخالت آمریکا در کودتای 28 مرداد و سیاست های بعد از آن پوزش طلبید، اما آقای رضا پهلوی و شرکاء حتی در این حد سمبلیک نیز حاضر به عذرخواهی از مردم شریف ایران نیستند؟!

آنها روی ضعف حافظه تاریخی مردم سرمایه گذاری کرده اند. خصوصاً اکثریت جوان سکنه کشور. فراموش نکنیم که دو سوم از جمعیت ایران در زیر سی سال بسر میبرند، یعنی نه تنها خاطره ای از کودتای 28 مرداد و عواقب فاجعه بار آن - نظیر : ساواک، اختناق، شکنجه و وابستگی تمام عیار به آمریکا و غیره- ندارند، بلکه اکثراً حتی در دوره پایانی حکومت محمد رضا شاه نیز زندگی نکرده اند. همین پارامتر یعنی بی اطلاعی و یا عدم آگاهی از رویدادهای تاریخی کشورمان است که سبب می شود در غیاب یک

*** با ما ارتباط بگیرید ***

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etchadchap.com

دراهمیت اعتراضات معلمان و ضرورت حمایت همه جانبه از آن

**معلم نان ندارد، مسکن ندارد، معلم قرض دارد*
من چهره ام گرفته، من قایم نشسته به خشکی، مقصود
من از حرفم، معلوم بر شماست، یک دست بی صداست!***

جنبش معلمان در برابر هردوجناح

1- چندروز پیش شورای عمومی معلمان در نامه ای به خاتمی و ضمن یادآوری وظایف او بعنوان رئیس جمهوری در حمایت از آزادی، حقوق و حرمت اشخاص، خواهان بکارگیری همه مساعی خود برای آزادی معلمان دستگیر شده گردید. گرچه این نامه نیز هم چون دیگر نامه های دادخواهانه مشابه، با دیوار سکوت و بی اعتنائی مواجه گردید، اما سیاست های سرکوب گرانه و ضد معلمی دولت خاتمی و در همین راستا داشتن هم کاری تنگاتنگ با جناح دیگر برکسی پوشیده نیست. چنان که صدور دستور بازداشت آقایان محمود بهشتی و علی اصغر ذاتی از گردانندگان کانون صنفی معلمان توسط دادستان و به دنبال شکایت وزارت اطلاعات صورت گرفت. از این روعیب نیست وقتی وزیر ارشاد بعنوان متولی رسمی آموزش و پرورش که به حسب ظاهر هم شده قاعدتا باید از حقوق پرسنل تحت امر خود حمایت کند، در برابر پرسش خبرنگاران با کمال وقاحت می گوید قوه قضائیه خیال ما را راحت کرده است که این بازداشت ها ربطی به فعالیت صنفی آن ها ندارد (یعنی همان طور که وزارت اطلاعات و مقامات قضائی ادعا دارند، اقدام علیه امنیت کشور است). و سپس اضافه می کند که به دستگاه قضائی باید اجازه داد که تا موضوع آن ها را به درستی مورد رسیدگی قرار دهد! و این درحالیست که در احضاریه محمود بهشتی، دبیرکل کانون صنفی معلمان، کلیه فعالیت های صنفی و مدنی وی تحت عنوان ورود غیر قانونی به مدارس، ترک خدمت در ساعات اداری، شرکت در تحصن و تجمع، و تحریک معلمان و به عنوان "تخلفات اداری" بشمار آمده است.

باین ترتیب علیرغم اوج گیری ستیزهای درون حکومتی یک بار دیگر، اتحاد و همکاری گسست ناپذیر هردوجناح در مقابله با جنبش های اعتراضی و سرکوب نهادهای مدنی و مستقل از حاکمیت به صورت برجسته ای به نمایش در آمده است. و اساسا باید گفت که سیر تحولات درون حکومتی بسوی اعمال هرچه بیشتر حاکمیت یک دست و سرکوبگرانه، هدفی جز در دستور قرار دادن سرکوب همه جانبه جنبش های سیاسی- اجتماعی نداشته و تمرکز دستگاه های سرکوب بروی جنبش معلمان و دانش جویان نشان از همین جهت گیری دارد.

2- فاز جدید ورود به "مرحله برای خود"، مستلزم عبور و فراتر رفتن از مبارزات در خود، پراکنده و خود بخودی به مبارزات هماهنگ و سازمان یافته است. در این مرحله رفته رفته فشار و لایه های گوناگون اجتماعی با وقوف به منافع مشترک احاد خود و کشف وجوه تمایز و تغایر منافع خود با منافع طبقات حاکمه، به هویت اجتماعی و بالقوه خود، فعلیت و عینیت می بخشند. بی تردید، قشر اجتماعی گسترده معلمان با مجموعه درخشانی از اعتراضات و اقدامات خود نشان داده است که در مسیر چنین فرایندی قرار دارد. فرایندی که تبلور خود را در طرح مطالبات مشترک، مبارزات هماهنگ شده و در این روزها با دفاع پرشور از خواست آزادی بی قید و شرط نمایندگان دستگیر شده و توقف موج احضارها و بازداشت های غیر قانونی سایر فعالان کانون های صنفی، به نمایش گذاشته است. چرا که ظهور بروز چنین روحیه ای در شرایط و وقوف به منافع صنفی- طبقاتی امری اجتناب ناپذیر بوده و دستگیری نمایندگان و سخنگویان تجاوز به کل بیکره تلقی می شود، که نمی توان به سادگی از آن گذشت. چنان که در پی دستگیری محمود بهشتی و اصغر ذاتی، معلمان در یک واکنش بدیع با به نمایش گذاشتن

همبستگی خود، حاضر نشدند بابتی تفاوتی از کنار آن بگذرند و به وعده و وعیدهای دروغین رژیم دل خوش کنند. از همین رو آنان در بیانیه خود به شیوایی تمام آورده اند: "حرفشان تکراری و ملال آور، و وعده هایشان توخالی و توجیه تبعیض و ستم تا این حد آشکار، عادت است ترک ناپذیر...". بر این اساس بود که جنبش معلمان پس از یک سری اقدامات اولیه و موردی چون رایزنی ها، تجمع در برابر مجلس و با قوه قضائیه و بی نتیجه ماندن این گونه تلاش ها، بر آن شد که برای آزادی همکاران و سخنگویان خود دست به اعتراضات منظم تبلیغی و آکسیون بزند. آن ها در بیانیه خود اعلام داشتند، "که این دستگیری ها بدلیل تلاش و فعالیت صنفی- مدنی و تحت الشعاع قرار دادن نشست شورای هماهنگی معلمان در مردادماه و خاموش کردن ندای حق طلبانه آنان طراحی شده است...". و ضمن درخواست آزادی سریع و بدون قید و شرط همکاران خود، خواهان رفع اتهامات وارده به آنان و خانواده بزرگ فرهنگیان گردیدند و با دادن هشدار به دولت و قوه قضائیه، خاطر نشان ساختند که عدم تعجیل در آزادی هرچه سریع تر آنان موجب تبعاتی خواهد شد که مسئولیت آن برعهده کسانی است که ما را در تنگنا گذاشته و زیانمان را بریده اند و دهانمان را دوخته اند. آن ها با وقوف به این که نیل به مطالبات بدون مبارزه سازمان یافته و پیگیر دست یافتنی نیست، به صرف صدور بیانیه و هشدار اکتفا نکرده و در راستای پیگیری آن ها تجمع و تحصن روزهای یک شبانه هرفهفته در ساعت 10 الی 12 در مقابل وزارت آموزش و پرورش تهران و سایر مراکز استان ها و شهرستان ها را در دستور کار خود قرار دادند. آن ها در همان حال تهدید کردند که اگر اقدامات فوق به نتیجه نرسد، با بازگشایی مدارس در کلاس های درس حاضر نخواهند شد.

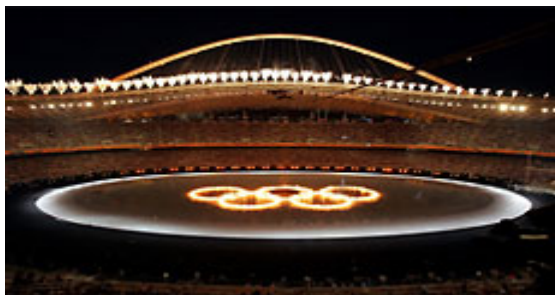
3- جایگاه معلمان در جنبش مزد و حقوق بگیران و اهمیت استراتژیک آن. معلمان با گستردگی نزدیک به یک میلیون نفر و با احتساب خانواده های خود یک نیروی کمی گسترده و سنگین وزنی را بوجود می آورند. اما مهم تر از این، نقش کیفی آن ها است. آن ها بدلیل داشتن آگاهی مناسب، بدلیل نیاز وافر جامعه و دولت به خدمات صرف نظر نکردنی و جایگزین ناپذیر آن ها و مهم تر از همه، بدلیل داشتن تشکل و سازماندهی نسبی، دارای قدرت چانه زنی مناسبی هستند. علاوه بر این، معلمان بعنوان حقوق بگیران و زحمتکشان فکری و خدماتی، بیش از هر قشری بطور بیواسطه از بیدادگری ناشی از سلطه حکومت مذهبی و آفت های تلفیق مذهب و آموزش- در جامعه ای که دولت، خود کارفرمای اصلی محسوب می شود- در رنجند. داشتن پیوند طبیعی با میلیون ها دانش آموز (جوانان) و خانواده های آنان، بر استحکام موقعیت آنان می افزاید. علاوه بر این ها، شیوع پدیده دوشغلی در میان این قشر زحمتکش، هم سرنوشتی این بخش از حقوق بگیران با کارگران و دیگر لایه های زحمتکشی را بیش از پیش تقویت کرده و به آنان در قطب کار و زحمت اهمیت ویژه ای بخشیده است. وجود صدها هزار زن آموزگار، بعنوان حلقه اتصال دهنده، امکان پیوند این جنبش با جنبش زنان را تنگاتنگ می کند. خلاصه آن که مجموعه مشخصات فوق باین قشر در میان زحمتکشان و کلیه مزد و حقوق بگیران، جایگاه ویژه ای بخشیده است که برآستی دارای اهمیت استراتژیک است. ناگفته نماند که در اینجا فقط سخن از توانایی ها و ظرفیت های بالقوه و نهفته استراتژیک در میان نیست. بلکه فراتر از آن، همان گونه که مشهود است، آن ها توانسته اند گوشه هایی از توانایی های خود را با صحنه مبارزات اجتماعی و سیاسی جاری پیوند زده و به مبارزه فعال، گسترده و روبرو با بزرگترین کارفرمای کشور و نیز قدرت سیاسی حاکم مبادرت ورزند. و درست بهمین دلیل، خواهی نخواهی بعنوان قشر مرجع و یا نفوذ دارای نقش ارزنده و شایسته ای در استراتژی رهائی بخش علیه استبداد و ستم طبقاتی بوده و حامل جذبه سرمشق شدن و الهام گرفتن هستند.

4- اگر بپذیریم که پراکندگی بین اعتراضات گردان های گوناگون زحمتکشان مهم ترین خلأ کنونی را تشکیل می دهد، و اگر قبول کنیم که بستر اعتراضات و دفاع از مطالبات زحمتکشان بهترین زمینه عینی را برای پیوند و تقویت همبستگی زحمتکشان از یکسو، و ترمیم گسست اپوزیسیون با جنبش های اجتماعی از سوی دیگر را فراهم می سازد، آن گاه به اهمیت حمایت همه جانبه از جنبش

در اهمیت اعتراضات معلمان

ادامه از صفحه یک

المپیک در وحشت



108 سال پیش زمانی که بارون "پی-یر دو کوبرتن" بازیهای المپیک نوین را با هدف گسترش صلح و دوستی در جهان در بحبوحه جنگ سرد میان دول اروپایی و با شعار، المپیک، آئین همت، جوانمردی و گذشت راه اندازی کرد، بسیار امیدوار بود که المپیک در آینده از یک گردهمایی صرفا ورزشی به نمادی از صلح جهانی تبدیل شود.

مردم خسته از جنگ و کشتار و علاقمند به زندگی در صلح و ثبات و دوستی آن روزگار، این حرکت را با آغوش باز پذیرفته و نهال امیدواری نسبت به رهایی از جنگ و کشتار در جهان را در دلهایشان بارور ساختند.

اما به رغم این امیدواری، "کوبرتن" و مردم خسته از جنگ، این بازیها در طول بیش از یکصد سال گذشته نتوانست نقش خود را در گسترش صلح و دوستی در جهان به نحو احسن انجام دهد و همواره به دلیل اختلاط با مسایل سیاسی، زیر فشار سنگین سیاستمداران قرار گرفت و متاثر از تصمیم های آنان شد.

این تاثیر گذاری سیاست و سیاستمداران بر این بازیها باعث شد تا برغم آنکه بازیهای المپیک با هدف غیرسیاسی راه اندازی شد، اما همواره نگاه به المپیک، نگاهی برگرفته از سیاست باشد و شاید ناشی از این نگاه بود که موضوع غیرسیاسی و ورزشی بودن المپیک توسط خیلی ها مورد قبول واقع نشد و این نماد صلح زمانی که بهانه ای برای توقف جنگ ها قلمداد شد، نتوانست تاثیرگذاری لازم را داشته باشد.

نا توانی گردانندگان در دور کردن این بازیها از اختلاط با سیاست موجب شد تا حس غیرسیاسی بودن این بازیها در بین ملت ها نیز قوت نگیرد. از سوی دیگر تحركات و برنامه های برخی کشورهای استعماری و قدرتمند در سایر کشورها باعث شد تا ملت ها نسبت به اهداف برگزارکنندگان این بازیها، نگاهی سوء استفاده گرایانه در جهت سرپوش گذاشتن بر اعمال و اقدامات شان داشته باشند.

وقتی این شک و تردیدها بیشتر شد و برگزارکنندگان نتوانستند به رغم میل باطنی، دولت ها را موظف و مکلف به توجه به روح المپیک و آیین بزرگ المپیزم به دور از مسایل سیاسی بکنند، حوادثی مثل بازیهای المپیک مونیخ و آتلانتا رخ داد.

وقوع این اتفاقات و بی اطمینانی نسبت به اینکه آیا روح المپیک توانسته در بین ملت ها مورد پذیرش واقع شود یا نه، موجب شد که برگزارکنندگان به فکر ایجاد امنیت در این بازیها و صرف بودجه هایی برای برقراری امنیت در آن بیفتند.

اما روند توجه به امنیت در برگزاری بازیهای المپیک از دو دوره قبل، نسبت به دوره های قبل به یک مساله مهم تبدیل شده و کشورهای میزبان سرمایه گذاری های بسیار زیادی برای برقراری امنیت در آن انجام می دهند که این موضوع با روح المپیک و روح این بازیها تطابق ندارد.

این وضعیت در المپیک آتن به دلیل اتفاقاتی که در ۱۱ سپتامبر

اعتراضی هم اکنون موجود معلمان بهتر پی خواهیم برد. و البته بهمان اندازه به فقدان حمایت درخور، تاسف خواهیم خورد. برآستی پرسیدنی است که پس از گذشت نزدیک به 30 روز از بورش ارتجاع و بقول خود معلمان، تهاجم حاکمیت قبیله ای و انتصابی به نمایندگان آن ها، مدعیان دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و هم چنین مدافعان دموکراسی و جامعه مدنی و روشنفکران و دانش جوانان چه کرده اند؟ بی تردید نگاهی به این بیلان نزار، همه امان را شرمگین می سازد. آیا فعالین سایر جنبش ها ولایه های اجتماعی درمیان ده ها و گاه صدها اعتراض روزمره و در زیر فشارها و ضربات متوالی رژیم، توان درک اهمیت لحظه و نقش کلیدی مبارزه معلمان و بهره گیری از فرصت های طلایی برای برافراشتن پرچم مقاومت در برابر تهاجم استبداد را از دست داده اند؟ آیا فی المثل جنبش دانش جوئی که در جستجوی گفتمان جدید است هنوز به این بلوغ نرسیده که یک عنصر اصلی و پایه ای گفتمان جدید دفاع از جنبش های اجتماعی و پیوند با آن ها است؟ آیا وقتی معلمان در یک فراز درخششان مبارزاتی، اعتراض به دستگیری نمایندگان شان را در دستور کار خود می گذارند، جنبش دانش جوئی، روشنفکری، زنان، پرستاران، روزنامه نگاران و... که خود به درجاتی درگیر دشواری های مشابه هستند، به مخیله اشان خطور نمی کند که در حمایت از آنان بیانیه ای صادر کرده و فرتازان با شرکت در تحصن روزهای یک شنبه همبستگی خود را به نمایش بگذارند؟ آیا همه ما منتظریم که تا رژیم تاریک اندیش و خودکامه حلقوم تک تک امان را فشرده و نهایتا جشن پیروزی خود را در گورستان بجا مانده برپا کند؟ و البته در این میان انتقاد به زبان الکن و زنگ دارابوژیسیون مدافع آزادی و عدالت بیش از دیگران وارد است. چرا که آنان از یک سو زبان ادعایشان در حمایت از آزادی و عدالت اجتماعی بلندتر از دیگران است و از سوی دیگر فاقد دغدغه پرداختن هزینه های مبارزین داخل کشور هستند. باین وجود آن ها از فعالیت های منفرد و فرقه ای فعالین از یکسو و بی عملی صدها هزار ایرانی از سوی دیگر، بشدت دررنجند. در چنین وضعی آنان نیز برای بزون شد از سرگشتگی و غلبه بربراکندگی و بی عملی نیازمند ترمیم گسست خویش با جنبش های اجتماعی هم اکنون موجودند.

5- گرچه تاریک اندیشان خود کامه، بدلیل همبستگی معلمان و بیم ازگسترش اعتراضات آنان ناچار گردیدند، محمودیهستی را پس از گذشت یک ماه از زمان بازداشتش بقید وثیقه 50 میلیون تومانی آزاد کنند. اما نباید فراموش کرد که اولاً شمشیر داموکلوس دادگاه و محکومیت را بر فراز سر وی و تشکل های معلمان آویخته اند و این با آزادی بی قید و شرط درخواست شده توسط بیانیه معلمان فاصله دارد و ثانیاً هنوز اصرار ذاتی نماینده دیگر را هم چنان در بازداشت خود نگهداشته اند و به فشارهای خود نسبت به سایر فعالین صنفی این جنبش ادامه می دهند و ثالثاً همان گونه که در سطور پیشین هم اشاره شد، سردمداران نظام در فراز جدید، تشدید سرکوب جنبش های اجتماعی و در رأس آن جنبش معلمان و دانش جوانان را در دستور کار خود قرار داده اند. بدیهی است در چنین شرایطی همان طور که بیت نقل شده از بیانیه معلمان تأکید می کند "یک دست بی صداست"، تنها از طریق تقویت همبستگی بعنوان ضرورت بی چون و چرای شرایط کنونی و نیز با ادامه مبارزه و مقاومت می توان رژیم را به عقب نشینی و نهایتا سرنگونی واداشت.

21 مرداد 83

پانویس :

* به نقل از پلاکارد تجمع معلمان

* به نقل از بیانیه مورخه 11.4.83 کانون صنفی معلمان که در آن از جمله خواستار رفع توقیف از نشریه قلم و استعفای وزیر آموزش و پرورش و معاون وی شده است.

المپیک در وحشت

شناگر سابق و برنده هفت مدال طلا المپیک ۱۹۷۲، خطر جانی ورزشکاران آمریکائی را در آتن بسیار جدی قلمداد کرده و از دولت خواسته اند مانع سفر ورزشکاران به این بازیها شود.

** وزیر جوانان و ورزش فرانسه میگوید که فرانسه مستقل از برنامه ریزی صورت گرفته توسط مسولان برگزاری بازیها، اقدامات حفاظتی خاصی برای ورزشکاران فرانسوی در بازیهای المپیک در نظر بگیرد.

** ورزشکاران کشورهای آمریکا، انگلیس و استرالیا در بازیهای المپیک آتن در طول ۲۴ ساعت شبانه روز، هم در داخل دهکده و ورزشگاهها و هم به خصوص در خارج آنها تحت مراقبت دقیق نیروهای مسلح ارتش یونان قرار خواهند داشت.

** فرمانده عالی نیروهای ناتو در اروپا گفته که این سازمان نظامی همه امکانات زیربنایی امنیتی را برای المپیک ۲۰۰۴ آتن در اختیار یونان قرار می دهد.

** دولت یونان برای جلوگیری از احتمال بروز هرگونه وقایع ناخواسته و برقراری نظم بیشتر در زمان برگزاری بازیهای المپیک ۲۰۰۴ آتن، شهروندان خارجی متخلف را در این کشور بازداشت می کند.

** "دورابکویانی" شهردار آتن گفت: ۷۰۰ هزار نیروی امنیتی به صورت شبانه روز امنیت بازیهای المپیک ۲۰۰۴ آتن را به عهده دارند.

** نماینده سازمان عفو بین الملل در یونان گفت: بازیهای المپیک آتن با اعمال نظر مستقیم کشورهای غربی و اصحاب رسانه ها برگزار می شود و دولت یونان با تدابیر رافراط گونه ای که برای امنیت در نظر گرفته، حقوق بشر را زیر پا می گذارد. وی اظهار داشت: دولت یونان با افراط در اهمیت دادن به مسائل امنیتی، شکلی کاملاً نظامی به بازیها داده است.

** سازمانهای امنیتی استرالیا، فرانسه، آلمان، انگلیس، آمریکا، اسپانیا و اسرائیل ماموران یونانی را برای برقراری امنیت بازیهای المپیک آموزش می دهند.

** آمریکا برای آرایه کمکهای بیشتر امنیتی به برگزاری بازیهای المپیک ۲۰۰۴، سه ناو نظامی فوق پیشرفته شناسائی (مجهز به سیستمهای ردیاب) تحویل پلیس بندری یونان داد.

** سازمان عفو بین الملل نسبت به شدت عمل افراط گونه دولت یونان در برنامه امنیتی بازیهای المپیک آتن انتقاد و ابراز نگرانی کرد که دولت با افراط در این زمینه، حقوق بشر را زیر پا گذاشته و حقوق حقه گروههای مختلف به خصوص مسلمانان، مهاجران و پناهندگان را پایمال کند.

** عفو بین الملل با ارسال بیانیه ای رسمی به دولت یونان، از این که تحت لوای تدابیر امنیتی برای بازیهای المپیک، حقوق بشر در این کشور زیر پا گذاشته شده و تبعیض نژادی و قومی به خصوص نسبت به مسلمانان، مهاجران، پناهجویان و گروههای معارض سوسیالیست اعمال شود، ابراز نگرانی کرد.

با توجه به موارد بالا که تنها بخش علنی تدابیر امنیتی در طول بازیهای المپیک آتن خواهد بود، آیا می توان گفت که اهداف برگزارکنندگان المپیک که همانا گسترش روح المپیک در جهان بود، برآورده شده است؟

بازیهای المپیک که قرار بود نماد دوستی و صلح در جهان باشد، در پادگان!! نظامی و در زیر سایه تفنگ ها و هواپیماهای نظامی و جاسوسی برگزار می شود با مبلغ یک میلیارد یورویی که صرف امنیت این بازیها می شود، می شود جهانی عاری از گرسنگی ساخت و برای میلیون ها نفر در سراسر جهان که آرزوی خوردن یک وعده غذا و یا پوشیدن یک کفش ورزش را دارند، غذا و لباس تهیه کرد.

شاید اگر افلاطون، ارسطو، سقراط و بقراط حکیم اگر زنده می بودند، در سرزمین اساطیری یونان و مهد المپیک، از این نماد صلح جهانی و هزینه های وحشتناکی که صورت می گیرد، سرگیجه گرفته و در جریان این بازیها به عنوان عامل تروریستی دستگیر و در زندانهای ابوغرب و یا گوانتانامو به زنجیر کشیده شده و پست ترین رفتارهای بشری با آنها صورت گیرد.

در آمریکا و انفجارهایی که در اروپا رخ داد و یا درگیریها در آسیا، شدیدتر شده و شاید بتوان گفت که اوج این وضعیت امنیتی، در جریان بازیهای المپیک ۲۰۰۴ آتن مشاهده خواهد شد.

نگاهی به برنامه امنیتی که در جریان بازیهای المپیک توسط دولت های شرکت کننده و دولت یونان به مورد اجرا گذاشته شده، نشان می دهد که دیگر نمی توان المپیک را با اهداف و شعارهایی که پایه گذار آن بنیان نهاد تعریف کرد. امروز آتن در آستانه این بازیها تبدیل به پادگان نظامی بزرگی شده است که در داخل این دژ نظامی در روزهای آینده تعدادی ورزشکار به رقابت خواهند پرداخت.

شدت برخی از این اقدامات توسط نیروهای نظامی و امنیتی در جریان بازیهای المپیک آتن به حدی است که انتقادات برخی از نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و عفو عمومی را نیز برانگیخته و آنها نسبت به تضییع حقوق اولیه انسانی در طول این بازیها اعتراضاتی را ابراز داشته اند.

در ذیل نگاهی داریم به برخی از این اقدامات و بازتاب های آن، آیا اهداف برگزارکنندگان این بازیها این بود؟

** یونان با استفاده از ۷۰ هزار نیروی امنیتی برای حفظ امنیت بازیهای المپیک، رکورد هزینه های حفاظتی بازیهای المپیک را شکست.

** اسکاتلندیارد در نظر دارد افسران پلیس مسلح را همراه ورزشکاران به آتن بفرستد تا امنیت ورزشکاران انگلیسی را تضمین کنند.

** تحلیلگران مسایل امنیتی مدتی است هشدار داده اند بازیهای المپیک امسال در آتن از اصلی ترین اهداف تروریستی برای القاعده خواهد بود.

** آتن از ناتو خواست از هواپیماهای جاسوسی "آواکس" و تمام تجهیزات پیشرفته خود برای تامین امنیت هوایی یونان استفاده کند. همچنین از ناتو خواسته شد بالگردهای پی ۳-، موشکهای دقیق هدف باب زمینی و هوایی و همچنین یگانهای ضربتی خود را برای تامین امنیت بنادر یونان بکار گیرد.

** دولت یونان از ناتو خواست ناو هواپیما بر مجهز به موشکهای "تام هاوک"، تجهیزات شنود و کماندوهای واکنش سریع را نزدیک این کشور مستقر کند.

** دولت یونان برای تامین امنیت بازیهای المپیک، ۱۴۰۰ دوربین در ورزشگاه ها تعبیه خواهد کرد.

عقوبین الملل ازدولت یونان می پرسد: تصاویری که دوربینها از همه افراد حاضر در بازیها می گیرند بعد از پایان بازیها برای چه کار بکار گرفته خواهد شد؟

** در طول بازیهای المپیک، پرواز بر فراز ورزشگاه ها ممنوع خواهد بود و احتمالاً گشت های هلیکوپتر و هواپیماهای آواکس بر فراز این ورزشگاهها و مناطق دیگر برقرار خواهد بود.

** یونان برای تامین امنیت بازیهای المپیک، یک میلیارد یورو هزینه می کند که ۱۲ برابر هزینه امنیتی بازیهای ۱۹۹۶ اتلانتا و ۵ / ۳ برابر هزینه های این بازیهای در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی است

** ۷ هزار نیروی امنیتی، شمار پرسنل رسمی بازیهاست و مشمول تعداد نیروهای داوطلب نمی شود.

** "مارک اسپیتز" قهرمان سابق شنا بازیهای المپیک از آمریکا، پیش بینی می کند که بطور حتم خطر امنیتی جان ورزشکاران آمریکایی را در بازیهای المپیک آتن تهدید خواهد کرد و به دولت این کشور توصیه کرد که مانع از سفر ورزشکاران این کشور به بازیها شود.

** وزیر امور خارجه استرالیا اعلام کرد که دولت این کشور که محافظان پلیس شخصی همراه ورزشکارانش به بازیهای المپیک آتن اعزام می کند، در نظر دارد بر تعداد نیروهای پلیس امنیتی خود در این بازیها بیفزاید.

** "سره نا ویلیامز" تیسس باز زن برجسته و "مارک اسپیتز"